

اماد انسان ان کالات متفاوتت در درجات زین که بعضی را از اجیان
استعداد وجودی و کمالات همیشه مالمعلیاتی زیاده و نقصان چون
عقل اول که اره افضل و اکل و بعضی را ظهور الحی استعداد ان در ان
مشروط بشرطی که مادام وجود تکوین مشروط تحقق نپذیرد و از ان قبیلند
افراد انسان چه ظهور کالات در ان از انواع تخلیقات ذاتی و اساسی
صفات بشرطی خصوص سقوفت حناچه مشهور و معروف از تخلیقات
خلیه و نوجه نام حضرت درو الحلال و الاکدام و هر بیت ارکا ابعداقون
خودست الی ما سأل الله الملك المنعالم والوجه از واجبت اظهار همه در همه
سرانیت اما انصاف هر یک از افراد انسان استعداد خواص خود را در
مقتضیات ذوات ایشان و این اشکات هم محتاجت بعضی اقداس اولیام
بر وجهی که مذکور شد و افهم ای حسن و جمال در لربیان ارتش
وی ذوق و کمال استایان اثر هر چیز که فالیند انرا اعیان
در هر دو جهان همه نمایان اثر و ذوات حضرت انبیا که هفتی مطلق حیات
که نیست بتکوار و صفات ان ذوات شون بت نسبت و اعتبارات و فعل و
تأثیر او اظهار اوست خود را منلس باین نسب و اعتبارات بر وفق قدر
و آثار او و اعتبارات مشرب بر اظهار هستی بشون ذوات خود هر ان
خود را کند اظهار برات جهان زین نکته که پیش عارفان هر یک
ذات و صفت و فعل و اثر حیات بدان معناح شرف رتبه انسان در ازل
جهت نظهر عالم و دره واحد بی حجه و احریت اول اقتضای تکلیفی بود
بر اکه فیض چون از مبدأ نزول فرمود تا زمانی که محاذ وسط که نهایت نزول
وصول نیاید بر نوعی ح بر می ماند که ظهور رتبهها هر یک از مراتب
و واجب تا آنچه سمان بود عیان شود و چون رتبهها تکلیف ارفع و تک
فعل

فعل کرد بعین انبیا و تکلیف عباد و دعوت معاد صورت بدرد با انبیا
الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و حکمة در تکلیف اظهار وجود است
ظهور حیز هر سو وجود و اضمطر از عبادان و تعظیم ذات معبود
چه در تکلیف تکلیف را از ذات خود تعریف میکنند که بر اسطره اطلاع
در حدیث خود از تکلیف عاجز می آید و و اف متشود بر اینکه از وی
همه ذوات و صفات حقیقت سبحانه که بنیاید و فائد تکلیف امتیاز
حیثه عید نیست که نیستی است از اهل بیت که هستی است و این سخن
ما عندنا که حق عبادتک و ما عرفناک حق معرفتک و ما فکل رو الله حق
قدر و حکمة در این انبیا و اولیا کثرت این اظهار و اضمطر است
و ظهور فنا وجود تعبدات و آثار و ازین سبب در میزان اختیار
اصطفا و خیران پیغمبران بعد از الحان بنیاد ایشان ذکر شود
مانند و بعضی ادم ربه نفوس شر اجنباه ربه منات علیه و هدی
و هدی ان در حق سایر بندگان علیهم الصلو و الرضوان
ایز که بشرح کرد تکلیف شر از نیستی نو کرد تعظیم ریف تعی
تا عجز و فسد خوشتن در رتبه از رتبه در عالم کرد تا صیفت
معناح مبداحون عیان بود از ظهور وجود در عدم یعنی در
اعیان ثابت که سرانیت نظر عالم قدیم هر اینه معاد عالم و
ادم عیان خواهد بود از ظهور عدم در وجود حرا که مبدای
معاد اعیان متفلاشد کما بلای اولی خلق بعبده و ظهور وجود